

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

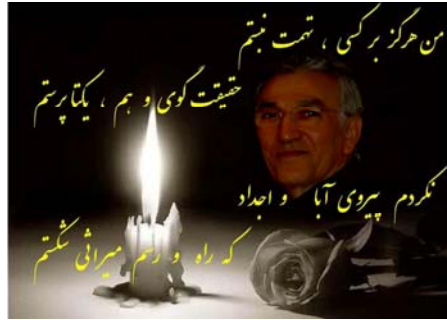
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۱ فبروری ۲۰۱۹



به قدر دانی از محبت جناب قیوم بشیر هروی تقدیم است

آهن ربا

آقای هروی! عجا با وفاستی
دل می بری ز مرد و زن و پیر و از جوان
ممنون، یادی کردی ازین یاد رفته ای
جور زمان، خماند مرا قامت رسا
سنگ فلک شکست مرا شیشه امید
روزانه و شبانه، دریدم ز بس گلو
از بسکه نقد کرده نوشتم به این و آن
(ترکاتی) را سپاس و درودش ز من رسان
اشعار تو که نغز و سلیس است و هم روان
در یک مَحَمَسی که رقم کرده (عشقری)
با گوش و چشم دل شنو و ، بنگر و بخوان
(نام خدا چو سرو به قامت رساستی
حیران و واله ات شده ام، از کجاستی؟
از دودمان پادشاهی، یا گداستی؟)
« نعمت» به قول (عشقری) تصدیق میکند

هم مهربان و اهل دل و بی ریاستی
هم دلستان و دلبر و هم دلریاستی
غریت فتاده را که اسیر بلاستی
از پا فتاده راه، ز محبت عصاستی
آئینه شکسته دلان راه، جلاستی
گوش کر زمانه ، چرا می نه واستی
از صبر و حوصله دگرم ره جداستی
(افغان موج) را که جنابش، نواستی
بر نظم نارسای من، آهن ریاستی
شاید مرام و مقصد ایشان شماستی
الحق، هر آنچه سفته، درست و بجاستی
یعنی برای بردن دلهـا، بلاستی
ای شوخ ساده رو چقدر خوشنماستی
یا بهتر و گزیده تر از، هردوتاستی
حالا بگو به گوش من، اهل کجاستی

آمین ربانی

آقا سرور! عجب با وفاستی بهم محسبان و، لیل دل و، بی ریاستی
 دل میبری ز مرد و زن و پیر و از جوان
 ممنون، یادی کردی ازین یادرفته‌ای
 هم دستمان و دلبر و هم، دلرباستی
 غربت فتاده رو، که لیسریلدستی
 از یافتاده رو، ز محبت عصاستی
 جور زمان خمساند، مرا قامت رسا
 سب فلک شکست مرا شیشه امید
 آینه شکسته دلان رو جلاستی
 روزگاره و شبانه، دیدم ز بس کلو
 کوشش کرد زمانه چسبامی نه ولایتی
 از بسکه نفت کرده نوشتم به این و آن
 از صبر و حوصله دگر مده جدایتی
 ترکانی رو پاس و درودش ز من رسان
 افغان موج رو که جنابش، نولایتی
 اشعار تو که نغمه و سلیس است و هم روان
 بر نظم نارسای من آمین ربانستی
 در یک خمسی که رقص کرده عشق سر
 شاید مرام و مقصد ایشان شامستی
 با کوش و چشم دل شو، بگر و، بخوان
 لحن، هر آنچه سفته، دست و بجایستی
 (نام خدا چو سرو بقامت راستی
 یعنی برادر بودن دلها، بلاستی
 حیران و دلالت شده ام از کجاستی؟
 از دو دمان پادشهی، یا کدایتی؟)
 «نعت» به قول عشق تصدیق میکنند
 از شوخ ساده رو چقدر خوشنامستی
 یا بهت و گزیده تر از هر دو نامستی
 حالا بگو به کوشش من، حاصل کجاستی